

Submit Date: 29 June 2026
Revise Date: 15 October 2026
Accept Date: 22 October 2026
Initial Publish: 24 October 2026
Final Publish: 22 June 2027

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

The Status of Good Governance in the Administrative Systems of Iran and the European Union

Ali Rahimi¹, Vali Rostami^{2*}, Bijan Abbasi³

1. PhD Student, Department of Public Law, Kish International Campus, University of Tehran, Kish, Iran
2. Professor, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran
3. Associate Professor, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

* Corresponding Author's Email: vrostami@ut.ac.ir

ABSTRACT

In contemporary public law, good governance is associated not only with managerial efficiency but also with the principles of administrative law governing the organization and limitation of public power. This study comparatively examines the legal status of good governance in the administrative systems of Iran and the European Union in terms of normative foundations, institutional safeguards, and enforcement mechanisms. Using a descriptive-analytical method and a comparative legal approach, the study examines sources of administrative law in Iran and the European Union, as well as selected judicial and administrative standards, while employing governance indicators only as supplementary evidence. In the European Union, a substantial proportion of the components of good administration and good governance have been formulated in the form of procedural rights, general principles of law, and institutional standards. In Iran, significant constitutional and statutory capacities also exist with respect to the rule of law, equality, transparency, judicial review, accountability, and the protection of individual rights; however, these capacities are more fragmented and uneven in terms of legal and institutional coherence. The principal difference between the two systems therefore lies not merely in performance indicators, but in the degree of legal and institutional coherence of the mechanisms supporting good governance. For Iran, drawing on the European experience requires, more than the transplantation of institutions, the systematic strengthening of shared principles of administrative law and enforceable legal safeguards.

Keywords: administrative law, European Union, good administration, good governance, Iran

How to cite: Rahimi, A., Rostami, V., & Abbasi, B. (2027). The Status of Good Governance in the Administrative Systems of Iran and the European Union. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 5(2), 1-16.



تاریخ ارسال: ۸ تیر ۱۴۰۵
تاریخ بازنگری: ۲۳ مهر ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۳۰ مهر ۱۴۰۵
تاریخ چاپ اولیه: ۲ آبان ۱۴۰۵
تاریخ چاپ نهایی: ۱ تیر ۱۴۰۶

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقه

جایگاه حکمرانی خوب در نظام اداری ایران و اتحادیه اروپا

علی رحیمی^۱، ولی رستمی^{۲*}، بیژن عباسی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق عمومی، پردیس بین المللی کیش، دانشگاه تهران، کیش، ایران

۲. استاد، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. دانشیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: vrostami@ut.ac.ir

چکیده

در حقوق عمومی معاصر، حکمرانی خوب افزون بر کارآمدی مدیریتی، با اصول حقوق اداری ناظر بر سازمان‌دهی و تحدید قدرت عمومی پیوند دارد. این پژوهش جایگاه حقوقی حکمرانی خوب را در نظام‌های اداری ایران و اتحادیه اروپا از حیث مبانی هنجاری، تضمین‌های نهادی و ضمانت‌اجراها به صورت تطبیقی بررسی می‌کند. پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد حقوقی - تطبیقی، منابع حقوق اداری ایران و اتحادیه اروپا و برخی معیارهای قضایی و اداری را بررسی و از شاخص‌های حکمرانی فقط به عنوان شواهد تکمیلی استفاده می‌کند. در اتحادیه اروپا، بخش مهمی از مؤلفه‌های اداره و حکمرانی خوب در قالب حقوق رویه‌ای، اصول عمومی و استانداردهای نهادی صورت‌بندی شده است. در ایران نیز ظرفیت‌های مهم قانون اساسی و قوانین عادی درباره قانون‌مداری، برابری، شفافیت، نظارت قضایی، پاسخ‌گویی و حمایت از حقوق اشخاص وجود دارد، اما این ظرفیت‌ها پراکنده‌تر و از حیث انسجام حقوقی و نهادی ناپراکنده‌تر است. تفاوت اصلی دو نظام فقط در شاخص‌های عملکردی نیست، بلکه در میزان انسجام حقوقی و نهادی سازوکارهای پشتیبان حکمرانی خوب است. بهره‌گیری ایران از تجربه اروپا بیش از انتقال نهادها، مستلزم تقویت منسجم اصول مشترک حقوق اداری و ضمانت‌اجراهای قابل اعمال است.

کلیدواژگان: اتحادیه اروپا، اداره خوب، ایران، حقوق اداری، حکمرانی خوب

نحوه استناددهی: رحیمی، علی، رستمی، ولی، و عباسی، بیژن. (۱۴۰۶). جایگاه حکمرانی خوب در نظام اداری ایران و اتحادیه اروپا. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۵(۲)، ۱-۱۶.



در نظام حقوقی ایران، اگرچه اصطلاح «حکمرانی خوب» به صورت یک عنوان جامع در قانون اساسی یا یک قانون عام اداری صورت بندی نشده است، عناصر آن را می توان در اصول مربوط به نظام اداری صحیح، برابری، حمایت از حقوق اشخاص، دادخواهی، محدودیت قدرت عمومی و نظارت قضایی و نیز در قواعد شفافیت و دسترسی به اطلاعات مشاهده کرد. از این رو، مسئله اصلی پژوهش صرفاً سنجش عملکرد اداری نیست، بلکه بررسی جایگاه حقوقی این مؤلفه ها و میزان انسجام سازوکارهای تضمین کننده آن ها در دو نظام است.

مرور منابع مورد استفاده نشان می دهد بخشی از ادبیات موجود بر شاخص های مدیریتی و سنجش عملکرد تمرکز دارد و بخشی دیگر اصول حقوق اداری را جداگانه بررسی می کند. خلأیی که این مقاله دنبال می کند، ارائه تحلیلی حقوقی - تطبیقی از حکمرانی خوب در سه سطح «مبانی هنجاری»، «نهادهای تضمین کننده» و «ضمانت اجرای حقوقی» است؛ تحلیلی که در آن داده های حکمرانی تنها برای نشان دادن فاصله احتمالی میان ظرفیت هنجاری و عملکرد عملی به کار می روند.

اهمیت این رویکرد در آن است که اصولی مانند قانونی بودن، برابری، تناسب، منع سوءاستفاده از اختیار، شفافیت، حق شنیده شدن و تصمیم مستدل را نمی توان صرفاً توصیه های مدیریتی دانست. این اصول می توانند معیارهای تحدید قدرت عمومی و حمایت از اشخاص باشند. هارلو نیز در جمع بندی اصول حقوق اداری مرتبط با حکمرانی، از پاسخ گویی، شفافیت، دسترسی به اطلاعات، مشارکت، دسترسی به مرجع مستقل، حق شنیده شدن، تصمیم مستدل، معقول بودن، تناسب و انتظار مشروع یاد می کند (Harlow, 2006).

پرسش اصلی پژوهش آن است که حکمرانی خوب در نظام های حقوق اداری ایران و اتحادیه اروپا از حیث مبانی هنجاری، ترتیبات نهادی و ضمانت اجرای حقوقی چه جایگاهی دارد و مهم ترین

در حقوق عمومی معاصر، «حکمرانی خوب» صرفاً مفهومی مدیریتی یا شاخصی برای سنجش کارآمدی دولت نیست، بلکه با مجموعه ای از اصول حقوق اداری مانند قانونی بودن، شفافیت، مشارکت، پاسخ گویی، دسترسی به اطلاعات، حق شنیده شدن و تصمیم مستدل پیوند دارد. این اصول در ادبیات حقوق اداری ابزارهایی برای هدایت اداره و مهار قدرت عمومی تلقی شده اند (Harlow, 2006). در ادبیات حکمرانی باز نیز شفافیت، درستکاری، پاسخ گویی و مشارکت ذی نفعان از اصول اصلی به شمار می روند (Oecd, 2023).

تحول نقش دولت در تنظیم گری نیز این برداشت حقوقی را تقویت می کند. گذار از «دولت تنظیم گر» به «حکمرانی تنظیمی» به معنای کاهش اتکای انحصاری به تصمیم گیری یک جانبه و حرکت به سوی سازوکارهایی است که در آن ها مشارکت بازیگران، پاسخ گویی، نظارت و هماهنگی نهادی اهمیت بیشتری می یابد. در حقوق ایران نیز اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ زمینه هایی برای این تحول ایجاد کرده و تجربه شورای رقابت نمونه ای از حرکت به سمت الگوی تنظیم گری مشارکتی تر است (Bayat & Shahparast & Rostami, 2025).

در اتحادیه اروپا، ماده ۴۱ منشور حقوق بنیادین «حق بر اداره خوب» را به رسمیت شناخته و رسیدگی بی طرفانه و منصفانه در مهلت معقول، حق شنیده شدن، دسترسی به پرونده و تکلیف اداره به بیان دلایل را در شمار تضمین های آن قرار داده است (Harlow, 2006). ماده ۲۹۸ معاهده عملکرد اتحادیه نیز بر اداره ای باز، کارآمد و مستقل تأکید دارد (Harlow, 2006). در سطح سیاست گذاری، سند سفید حکمرانی اروپایی پنج اصل شفافیت، مشارکت، پاسخ گویی، اثربخشی و انسجام را مبنای حکمرانی خوب معرفی می کند (Schimmelfennig & Sedelmeier, 2004).

شباهت‌ها و تفاوت‌های دو نظام در تضمین قانون‌مداری، شفافیت، پاسخ‌گویی و حقوق اداری اشخاص چیست؟ نوآوری پژوهش در پیوند دادن مفهوم حکمرانی خوب با ابزارهای خاص حقوق اداری، از جمله کنترل صلاحیت اختیاری، اصل تناسب، حقوق رویه‌ای و پیش‌بینی‌پذیری است؛ به‌گونه‌ای که این عناصر نه موضوعاتی جدا از حکمرانی خوب، بلکه سازوکارهای حقوقی تحقق و سنجش آن تلقی می‌شوند.

روش پژوهش

پژوهش از حیث روش، توصیفی - تحلیلی و از حیث رویکرد، حقوقی - تطبیقی است. مقایسه در هر دو نظام در سه سطح انجام می‌شود: نخست، شناسایی هنجاری اصول و حقوق مرتبط؛ دوم، نهادها و سازوکارهای تضمین‌کننده؛ و سوم، ضمانت‌اجراها و امکان کنترل حقوقی. محورهای مشترک مقایسه شامل حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخ‌گویی، بی‌طرفی، تناسب، حقوق رویه‌ای، امنیت حقوقی و پیش‌بینی‌پذیری است. داده‌های شاخص‌های حکمرانی صرفاً شواهد تکمیلی برای توصیف وضعیت عملی‌اند و جایگزین تحلیل حقوقی نیستند. با توجه به بازنگری روش‌شناختی شاخص‌های جهانی حکمرانی در سال ۲۰۲۵، هر مقایسه زمانی باید با ملاحظه سری بازمحاسبه‌شده تفسیر شود (Ghafouri & Omran, 2025).

چارچوب مفهومی و حقوقی حکمرانی خوب

حکمرانی خوب و اداره خوب

از منظر حقوقی باید میان «اداره خوب» و «حکمرانی خوب» تمایز گذاشت. ماده ۴۱ منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا، اداره خوب را در قالب حقوق رویه‌ای اشخاص در برابر نهادهای اتحادیه صورت‌بندی می‌کند؛ در حالی که سند سفید حکمرانی اروپایی، حکمرانی خوب را در سطح وسیع‌تر شیوه اعمال قدرت و سیاست‌گذاری با اصول شفافیت، مشارکت، پاسخ‌گویی، اثربخشی و انسجام توضیح می‌دهد (Harlow, 2006).

(Schimmelfennig & Sedelmeier, 2004). بنابراین،

«اداره خوب» بیشتر بر کیفیت تعامل اداره با شخص و تضمین‌های فرایندی تمرکز دارد، در حالی که «حکمرانی خوب» ساختارها، فرایندها و کیفیت کلی اعمال قدرت عمومی را نیز در بر می‌گیرد.

حکمرانی خوب به‌مثابه نظام تحدید و هدایت قدرت اداری

حکمرانی خوب در حقوق عمومی را می‌توان منظومه‌ای دانست که هم‌زمان اداره را به سوی تصمیم‌گیری شفاف و پاسخ‌گو هدایت و قدرت اداری را در برابر خودسری محدود می‌کند. در این رویکرد، صرف وجود صلاحیت قانونی کافی نیست و نحوه اعمال صلاحیت نیز باید قابل کنترل باشد. در حقوق اداری ایران، نظارت قضایی بر صلاحیت اختیاری با اصل قانونی بودن، تناسب و ظرفیت‌های قانون اساسی پیوند یافته است (Rostami & Salimi, 2020). در مطالعه تطبیقی حقوق اداری انگلستان نیز اصل تناسب معیاری برای سنجش رابطه میان هدف قانونی و وسیله انتخاب‌شده و جلوگیری از مداخله غیرضروری در حقوق اشخاص دانسته شده است (Rostami & Salimi, 2018).

بررسی رویه دیوان عدالت اداری نشان می‌دهد که اصل تناسب، با وجود ظرفیت آن برای مهار استفاده ناموجه از قدرت، هنوز به‌صورت کاملاً نظام‌مند و ساختاریافته در رویه این مرجع به کار گرفته نشده است؛ هرچند در برخی آرا توجه صریح یا ضمنی به آن قابل مشاهده است (Bayat Mokhtari et al., 2024).

امنیت حقوقی و پیش‌بینی‌پذیری اداری

پیش‌بینی‌پذیری در این پژوهش یکی از جلوه‌های مهم حکمرانی خوب در حقوق اداری است، نه موضوعی مستقل از آن. این مفهوم با امنیت حقوقی، انتظار مشروع و ثبات نسبی رفتار اداره پیوند دارد. در ادبیات انتظار مشروع بر نظم‌مندی، پیش‌بینی‌پذیری و امکان برنامه‌ریزی اشخاص بر مبنای نتایج حقوقی رفتار اداره تأکید شده است (Rostami et al., 2022). اداره‌ای که بر مبنای قواعد روشن، معیارهای برابر، دلایل قابل کنترل و رویه‌های نسبتاً

شفافیت، پاسخ‌گویی و تضمین‌های اداره خوب

کد اروپایی رفتار خوب اداری مجموعه‌ای از استانداردهای عملی برای رفتار نهادهای اداری ارائه می‌کند. این کد بر تناسب، منع سوءاستفاده از قدرت، بی‌طرفی و استقلال، عینیت، ثبات در رفتار اداری و احترام به انتظارات مشروع تأکید دارد (Harlow, 2006). اهمیت این سند در آن است که مفاهیم کلی حکمرانی مطلوب را به قواعد رفتاری نزدیک به عمل اداری تبدیل می‌کند و فاصله میان اصول کلی و رفتار روزمره اداره را کاهش می‌دهد.

در رویه دیوان دادگستری اتحادیه اروپا نیز اصل امنیت حقوقی و حمایت از انتظار مشروع از معیارهای مهم کنترل حقوقی‌اند. دیوان تأکید کرده است که قواعد باید روشن و دقیق باشند و اجرای آن‌ها برای اشخاص قابل پیش‌بینی باشد تا بتوانند حقوق و تکالیف خود را به‌طور روشن تشخیص دهند و بر همان اساس عمل کنند (Harlow, 2006). این رویه نشان می‌دهد که شفافیت و ثبات قواعد تنها ارزش‌های مدیریتی نیستند، بلکه می‌توانند در قالب اصول حقوقی قابل استناد عمل کنند.

شاخص‌های حکمرانی و ناهمگونی درون اتحادیه

در کنار سطح هنجاری، شاخص‌های تجربی نشان می‌دهند که وجود چارچوب حقوقی مشترک به معنای یکنواختی عملکرد در همه کشورهای عضو نیست. شاخص‌های جهانی حکمرانی بانک جهانی شش بُعد حکمرانی را در سطح ملی می‌سنجند و شاخص کیفیت حکمرانی اروپایی (EQI) امکان مشاهده تفاوت‌های زیرملی را فراهم می‌کند. دور ۲۰۲۱ EQI بر داده‌های بیش از ۱۲۹ هزار پاسخ‌دهنده در ۲۰۸ منطقه از ۲۷ کشور عضو اتحادیه استوار بود (Charron et al., 2021) و نتایج آن استمرار تفاوت‌های معنادار منطقه‌ای را نشان می‌دهد (Charron et al., 2021).

از منظر تطبیقی، این داده‌ها یک نکته روش‌شناختی مهم را تأیید می‌کنند: باید میان «وجود استانداردهای حقوقی مشترک» و «کیفیت اجرای آن‌ها» تمایز گذاشت. بنابراین، اتحادیه اروپا را نمی‌توان یک

باثبات عمل کند، امکان برنامه‌ریزی و اعتماد معقول را برای اشخاص افزایش می‌دهد.

از این منظر، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخ‌گویی، برابری، نظارت و حق اعتراض، اجزای جدا از هم نیستند؛ بلکه در کنار یکدیگر محیطی حقوقی می‌سازند که در آن تصمیم اداری برای شهروند قابل فهم، قابل کنترل و تا حد معقول قابل پیش‌بینی است. به همین دلیل، پیش‌بینی‌پذیری می‌تواند یکی از معیارهای سنجش کیفیت حقوقی حکمرانی خوب باشد.

حکمرانی خوب در نظام حقوق اداری اتحادیه اروپا

حق بر اداره خوب و مبانی هنجاری

اتحادیه اروپا در چند سطح مکمل به حکمرانی خوب پرداخته است. ماده ۴۱ منشور حقوق بنیادین «اداره خوب» را در قالب مجموعه‌ای از تضمین‌های فردی صورت‌بندی می‌کند و رسیدگی بی‌طرفانه، منصفانه و در مهلت معقول، حق شنیده‌شدن، دسترسی به پرونده و تکلیف به ارائه دلیل را به رسمیت می‌شناسد (Harlow, 2006). ماده ۲۹۸ معاهده عملکرد اتحادیه نیز بر اداره‌ای باز، کارآمد و مستقل تأکید دارد (Harlow, 2006). در سطح سیاست‌گذاری، سند سفید حکمرانی اروپایی پنج اصل شفافیت، مشارکت، پاسخ‌گویی، اثربخشی و انسجام را مبنای اصلاح شیوه حکمرانی معرفی می‌کند (Schimmelfennig & Sedelmeier, 2004).

این سطوح را نباید یکسان تلقی کرد. «حق بر اداره خوب» عمدتاً حقوق و تضمین‌های شخص در فرایند اداری را صورت‌بندی می‌کند؛ اصول عمومی حقوق اداری معیارهای کنترل قانونی و قضایی را فراهم می‌سازند؛ و «حکمرانی خوب» در سطح نهادی و سیاستی به کیفیت گسترده‌تر ساختار و فرایند اعمال قدرت مربوط است. چنین تفکیکی امکان می‌دهد حقوق رویه‌ای ماده ۴۱ در چارچوبی گسترده‌تر از شفافیت، پاسخ‌گویی و حاکمیت قانون تحلیل شود.

محدود نیست، بلکه به برابری در اعمال صلاحیت، صیانت از حقوق اشخاص، امکان اعتراض و منع استفاده ناموجه از قدرت نیز وابسته است (Moradkhani & Ayar, 2025).

در سطح نظارت بر اداره، اصول ۱۷۰ و ۱۷۳ اهمیت ویژه دارند. اصل ۱۷۰ امکان خودداری از اجرای مقررات دولتی مغایر قانون یا خارج از حدود اختیار و درخواست ابطال آن‌ها را پیش‌بینی می‌کند و اصل ۱۷۳ با تأسیس دیوان عدالت اداری، نظارت تخصصی بر تصمیمات، اقدامات و مقررات اداری را تضمین می‌نماید (Moradkhani & Ayar, 2025). این مجموعه نشان می‌دهد که ظرفیت هنجاری حکمرانی خوب در ایران بیش از آنکه در یک عنوان جامع متمرکز باشد، در قواعد و اصول متعدد توزیع شده است.

مطالعه رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز نشان می‌دهد که این مرجع در کنترل برخی مصوبات اداری به اصولی مانند موجه‌بودن، برابری، منع تبعیض، قانونیت، منع اضرار و صلاحیت استناد صریح یا ضمنی کرده است؛ امری که ظرفیت اصول عمومی حقوق اداری را برای تکمیل خلأهای قانونی برجسته می‌سازد (Moradkhani & Ayar, 2025). همچنین بررسی آرای شعب دیوان از منظر بار اثبات و استدلال قضایی بر اهمیت انعکاس ادله و مسیر استدلال در رأی و نقش فعال قاضی در دستیابی به اسناد موجود نزد اداره تأکید دارد (Mashhadi & Yazdani, 2024).

حاکمیت قانون و کنترل صلاحیت اختیاری اداره

حاکمیت قانون در حقوق اداری فقط به ممنوعیت اقدام بدون مجوز قانونی محدود نیست؛ بلکه اقتضا دارد نحوه اعمال صلاحیت اختیاری نیز از کنترل حقوقی خارج نباشد. در حقوق ایران، نظارت بر صلاحیت اختیاری با اصل قانونی بودن، تناسب و ظرفیت بند ۹ اصل سوم و اصل ۴۰ قانون اساسی پیوند داده شده است (Rostami & Salimi, 2020). در مطالعه تطبیقی حقوق اداری

واحد کاملاً همگن از حیث کیفیت حکمرانی تلقی کرد؛ همان‌گونه که عملکرد متفاوت مناطق، اصل وجود چارچوب حقوقی مشترک را نفی نمی‌کند. در حوزه گسترش اتحادیه نیز انتقال قواعد به کشورهای نامزد از طریق سازوکارهای مشروطیت و مشوق‌های خارجی توضیح داده شده و اثربخشی آن به زمینه و هزینه‌های داخلی پذیرش قواعد وابسته دانسته شده است (Schimmelfennig & Sedelmeier, 2004).

حکمرانی خوب در نظام اداری ایران

مبانی قانون اساسی و هنجاری حکمرانی خوب

در نظام حقوقی ایران، نخستین مبنای تحلیل حکمرانی خوب قانون اساسی است. هرچند اصطلاح «حکمرانی خوب» به‌صراحت در قانون اساسی به کار نرفته است، مجموعه‌ای از اصول آن ظرفیت هنجاری لازم برای قانون‌مداری، برابری، صیانت از حقوق اشخاص، دادخواهی و کنترل قدرت اداری را فراهم می‌کند. بندهای ۹، ۱۰ و ۱۴ اصل ۳ با رفع تبعیض ناروا، ایجاد نظام اداری صحیح و تأمین حقوق افراد پیوند دارند؛ اصول ۱۹ و ۲۰ بر برابری و حمایت قانونی یکسان تأکید می‌کنند؛ اصل ۲۲ تعرض به حقوق اشخاص را جز به حکم قانون محدود می‌سازد؛ اصل ۳۴ حق دادخواهی را تضمین می‌کند؛ و اصل ۴۰ امکان استنباط محدودیت در اعمال زیان‌بار و ناموجه اختیار را تقویت می‌کند (Moradkhani & Ayar, 2025).

از منظر کارکردی، اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی با تأکید بر برابری و حمایت قانونی یکسان، مبنایی برای رفتار غیرتبعیض‌آمیز و یکسان اداره در وضعیت‌های مشابه فراهم می‌کنند؛ اصل ۲۲ مداخله در حقوق اشخاص را به وجود مجوز قانونی مقید می‌سازد؛ اصل ۳۴ با تضمین حق دادخواهی، کنترل‌پذیری تصمیم اداری را تقویت می‌کند؛ و اصل ۴۰ امکان تحدید اعمال اختیار در موارد زیان‌بار یا ناموجه را فراهم می‌آورد. جمع این اصول نشان می‌دهد که قانون‌مداری در نظام اداری تنها به وجود صلاحیت قانونی

نیز هنگامی اهمیت می‌یابد که رفتار یا تضمین‌های قابل اتکای اداره مبنایی برای تنظیم رفتار شهروند ایجاد کرده باشد و تغییر ناگهانی و فاقد توجیه بتواند امنیت حقوقی را تضعیف کند (Rostami et al., 2022).

از این منظر، پیش‌بینی‌پذیری در مقاله حاضر حلقه اتصال میان چند مؤلفه حکمرانی خوب است: حاکمیت قانون، شفافیت، برابری، پاسخ‌گویی و امکان نظارت. ظرفیت این مفهوم در حقوق ایران بیشتر از مجموعه اصول قانون اساسی، قوانین عادی و اصول عمومی حقوق اداری استنباط می‌شود و هنوز به صورت یک قاعده عام و یکپارچه در همه حوزه‌های اداره صورت‌بندی نشده است.

پاسخ‌گویی حقوقی و مسئولیت دولت

پاسخ‌گویی مفهومی گسترده‌تر از مسئولیت مدنی است و پاسخ‌گویی سیاسی، اداری، قضایی و حقوقی را در بر می‌گیرد. با این حال، مسئولیت مدنی یکی از مهم‌ترین صورت‌های پاسخ‌گویی حقوقی است؛ زیرا میان اعمال قدرت و تحمل پیامد حقوقی رفتار زیان‌بار رابطه برقرار می‌کند. در بحث مسئولیت مدنی دولت نیز اصل جبران خسارت نقطه عزیمت است و دولت و کارکنان آن اصولاً خارج از قاعده جبران زیان تلقی نمی‌شوند (Rostami & Bahadori Jahromi, 2009).

۴.۶. نظارت قضایی و تضمین‌های دادرسی اداری
نظارت قضایی بر اداره حلقه تکمیل‌کننده حاکمیت قانون و پاسخ‌گویی است. در حوزه صلاحیت اختیاری، آزادی انتخاب مقام اداری نباید به مصونیت از کنترل قضایی تبدیل شود؛ از همین رو معیارهایی مانند قانونی‌بودن، تناسب و منع سوءاستفاده از اختیار اهمیت می‌یابند (Rostami & Salimi, 2020). اصول ۱۷۰ و ۱۷۳ قانون اساسی نیز به ترتیب کنترل مقررات خلاف قانون و رسیدگی قضایی به شکایات و اعتراضات اداری را پیش‌بینی کرده‌اند (Moradkhani & Ayar, 2025). در این چارچوب،

انگلستان نیز تناسب یکی از معیارهای مهم کنترل قضایی اعمال اختیار است (Rostami & Salimi, 2018). از منظر حکمرانی خوب، این کنترل مانع تبدیل اختیار اداری به خودسری و ابزاری برای حفظ رابطه معقول میان هدف عمومی و وسیله انتخاب‌شده است.

شفافیت، دسترسی به اطلاعات و مشارکت

قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، حق دسترسی به اطلاعات عمومی را به رسمیت می‌شناسد، مؤسسات عمومی را به دسترسی بدون تبعیض مکلف می‌کند و انتشار دوره‌ای بخشی از اطلاعات مربوط به عملکرد و سازوکارهای خدمت‌رسانی و شکایت را پیش‌بینی کرده است (Bidar et al., 2021). بنابراین، شفافیت در حقوق ایران صرفاً توصیه‌ای مدیریتی نیست و بخشی از آن پشتوانه تقنینی دارد.

در ادبیات حقوق اداری، «اصل گشایش» با دو مؤلفه شفافیت و مشارکت عمومی توضیح داده شده و دسترسی به اطلاعات پیش‌شرط مشارکت و ابزار نظارت شهروندان بر اداره دانسته شده است (Bidar et al., 2021). انتشار عمومی مقررات نیز برای امنیت حقوقی و پیش‌بینی‌پذیری اهمیت مستقیم دارد؛ به‌ویژه آنکه محرمانگی یا طبقه‌بندی مقررات موجد حق و تکلیف می‌تواند حقوق شهروندان را با چالش مواجه سازد (Khazaei & Tahan, Nazif, 2024). این پشتوانه تطبیقی با گزارش OECD نیز تقویت می‌شود که بر انتشار پیشینی اطلاعات و فراهم کردن فرصت‌های مشارکت ذی‌نفعان در چرخه سیاست‌گذاری تأکید دارد (Oecd, 2023).

پیش‌بینی‌پذیری، امنیت حقوقی و انتظار مشروع

پیش‌بینی‌پذیری در نظام اداری به امکان شناخت معقول حدود اختیار، مبنای تصمیم، آثار اقدام عمومی و راه‌های اعتراض اشاره دارد. تحقق آن مستلزم قواعد روشن، رفتار برابر، ثبات نسبی مقررات، دسترسی به اطلاعات و نظارت مؤثر است. انتظار مشروع

را منعکس می‌کند. نسخه ۲۰۲۵ WGI علاوه بر بازنگری روش‌شناختی، سری‌های تاریخی را نیز بازمحاسبه کرده است؛ از این رو، مقایسه روندها باید صرفاً بر نسخه بازنگری‌شده تکیه کند (Ghafouri & Omran, 2025). در این مقاله از این شاخص تنها برای توصیف زمینه عملکرد اداری استفاده می‌شود و از استنتاج حقوقی مستقیم از امتیازها خودداری می‌گردد.

پاسخ‌گویی

در WGI، «حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی» ابعادی مانند آزادی بیان، رسانه، مشارکت سیاسی و نقش جامعه مدنی را دربرمی‌گیرد (Ghafouri & Omran, 2025). در پژوهش فارسی جدید نیز موانع پاسخ‌گویی در ایران با عواملی مانند پیچیدگی ساختار بوروکراتیک، تعدد نهادهای متولی، ناکارآمدی دستگاه‌های نظارتی، ضعف شایسته‌سالاری و ضعف جامعه مدنی پیوند داده شده و بر اصلاحات ساختاری، شفافیت و تقویت نظارت تأکید شده است (Ghafouri & Omran, 2025). این یافته‌ها مؤید آن است که پاسخ‌گویی حقوقی بدون ظرفیت نهادی و شفافیت عملی به‌طور کامل محقق نمی‌شود.

تحلیل تطبیقی ایران و اتحادیه اروپا

مقایسه دو نظام نشان می‌دهد که در سطح مفهومی و هنجاری، اشتراکات قابل توجهی در پذیرش قانون‌مداری، برابری، شفافیت، پاسخ‌گویی، نظارت‌پذیری و حمایت از حقوق اشخاص وجود دارد. تفاوت اصلی بیشتر در شیوه صورت‌بندی حقوقی، میزان تمرکز قواعد، نوع نهادهای تضمین‌کننده و چگونگی تبدیل اصول عام به حقوق و ضمانت‌اجراهای قابل استناد دیده می‌شود. در اتحادیه اروپا، برخی عناصر اداره خوب به‌صراحت در ماده ۴۱ منشور و اسناد رفتاری صورت‌بندی شده‌اند، در حالی که در ایران عناصر متناظر از مجموعه‌ای از اصول قانون اساسی، قوانین عادی و اصول حقوق اداری قابل استنباط‌اند.

الزام به استدلال، دسترسی مؤثر به ادله و کنترل تصمیم‌گذاری، افزون بر حمایت از شخص، کیفیت حکمرانی را نیز ارتقا می‌دهد.

شواهد تجربی شاخص‌های حکمرانی

شاخص‌های تجربی در این مقاله صرفاً برای سنجش فاصله احتمالی میان ظرفیت‌های هنجاری و وضعیت عملی به کار می‌روند و به‌تنهایی مبنای داوری حقوقی درباره جایگاه حکمرانی خوب نیستند. از این رو، تمرکز این بخش بر چند شاخصی است که ارتباط مستقیم‌تری با محورهای حقوقی مقاله دارند.

حاکمیت قانون

پروژه عدالت جهانی، حاکمیت قانون را بر پاسخ‌گویی، قانون عادلانه، دولت باز و دسترسی به عدالت بی‌طرف و کارآمد استوار می‌داند و بر روشن، علنی و باثبات بودن قواعد نیز تأکید می‌کند (Ghafouri & Omran, 2025). در گزارش ۲۰۲۲، ایران امتیاز ۰.۴۱ و رتبه ۱۱۹ را کسب کرد و در میان هشت کشور منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در رتبه هفتم قرار گرفت (Ghafouri & Omran, 2025). این داده‌ها صرفاً زمینه‌ای تجربی برای فهم چالش‌های اجرای حاکمیت قانون فراهم می‌کنند.

شفافیت و کنترل فساد

در شاخص ادراک فساد ۲۰۲۲، ایران امتیاز ۲۵ از ۱۰۰ و رتبه ۱۴۹ از ۱۸۰ کشور و قلمرو را کسب کرد (Ghafouri & Omran, 2025). این شاخص ادراک فساد را می‌سنجد و نباید با یک سنجه مستقیم از کیفیت حقوق اداری یکسان تلقی شود؛ با این حال، می‌تواند در کنار تحلیل شفافیت و پاسخ‌گویی، تصویری تکمیلی از محیط حکمرانی ارائه دهد.

اثربخشی دولت

در شاخص‌های حکمرانی جهانی، «اثربخشی دولت» کیفیت خدمات عمومی، ظرفیت اجرای سیاست‌ها و کیفیت دستگاه اداری

جدول ۱. مقایسه حقوقی مؤلفه‌های منتخب حکمرانی خوب

مؤلفه	اتحادیه اروپا	ایران	نتیجه تطبیقی
حاکمیت قانون	معاهدات، منشور، اصول عمومی و کنترل قضایی	قانون اساسی، قوانین عادی و نظارت قضایی	مبنای هنجاری در هر دو وجود دارد؛ تفاوت در صورت‌بندی و انسجام تضمین‌هاست.
شفافیت	اصل حکمرانی، حق دسترسی و استانداردهای رفتار اداری	قانون دسترسی آزاد به اطلاعات و قواعد پراکنده	چالش اصلی ایران بیشتر در انسجام و ضمانت اجرای مؤثر است.
پاسخ‌گویی	سازوکارهای چندسطحی، نظارت قضایی و بازرس اروپایی	دیوان عدالت اداری و نهادهای نظارتی داخلی	هدف مشترک است؛ ساختار و دامنه سازوکارها متفاوت است.
اداره خوب	حق صریح در ماده ۴۱ منشور و کد رفتار خوب اداری	عنوان جامع مشابه به صراحت صورت‌بندی نشده است	اجزای آن در حقوق ایران قابل استنباط و قابل توسعه است.
ارائه دلیل و حق شنیده‌شدن	تضمین‌های صریح ماده ۴۱	قواعد و تضمین‌های پراکنده	ظرفیت تدوین قاعده عمومی و یکدست در ایران وجود دارد.
پیش‌بینی‌پذیری	پیوند با امنیت حقوقی، ثبات قواعد و انتظار مشروع	قابل استنباط از حاکمیت قانون، شفافیت و اصول قانون اساسی	در هر دو نظام با حکمرانی خوب مرتبط است؛ صورت‌بندی اروپایی منسجم‌تر است.

مبنای هنجاری و صورت‌بندی حقوقی

در هر دو نظام، عناصر اصلی حکمرانی خوب دارای پشتوانه حقوقی‌اند؛ اما شیوه صورت‌بندی آن‌ها متفاوت است. در اتحادیه اروپا، «حق بر اداره خوب» به صراحت در منشور حقوق بنیادین بیان شده و برخی استانداردهای رفتاری نیز در کد رفتار خوب اداری تبیین شده‌اند. در ایران، قانون اساسی و قوانین عادی ظرفیت‌های قابل توجهی فراهم می‌کنند، اما این عناصر در یک قانون عام یا یک عنوان جامع متمرکز نشده‌اند. پیامد حقوقی این تفاوت آن است که شناسایی و استناد به حقوق رویه‌ای در ایران بیشتر به تفسیر مجموعه‌ای از قواعد پراکنده وابسته است.

شفافیت، حقوق رویه‌ای و پاسخ‌گویی

در زمینه شفافیت، هر دو نظام ابزارهای هنجاری دارند، اما در اتحادیه اروپا پیوند میان شفافیت، اداره خوب و استانداردهای رفتار اداری صورت‌بندی منسجم‌تری یافته است. در ایران قانون دسترسی آزاد به اطلاعات و قواعد انتشار مقررات مبنای مهمی فراهم می‌کنند، ولی ضمانت اجرا و هماهنگی رویه‌های دستگاه‌ها اهمیت تعیین‌کننده دارد. در حوزه حقوق رویه‌ای نیز ماده ۴۱ منشور حق شنیده‌شدن، دسترسی به پرونده و الزام به ارائه دلیل را

صریحاً به رسمیت می‌شناسد (Harlow, 2006)؛ در حالی که در ایران حمایت از این حقوق از منابع متعدد و رویه‌های مختلف استنباط می‌شود.

کنترل قدرت اداری و ضمانت قضایی

وجه مشترک مهم دو نظام، نقش کنترل قضایی در جلوگیری از خودسری اداری است. در حقوق ایران، اصول ۱۷۰ و ۱۷۳ قانون اساسی و صلاحیت دیوان عدالت اداری بنیان نهادی این کنترل را فراهم می‌کنند؛ در اتحادیه اروپا نیز اصول عمومی حقوق، حقوق بنیادین و کنترل قضایی دیوان دادگستری بر قانون‌مداری و رعایت اصولی مانند تناسب و امنیت حقوقی مؤثرند. تفاوت اصلی در این نیست که یکی از دو نظام فاقد مبنای حقوقی است، بلکه در میزان صراحت، انسجام و قابلیت تبدیل اصول به استانداردهای یکنواخت رفتاری است.

شکاف میان ظرفیت هنجاری و عملکرد عملی

داده‌های تجربی باید در امتداد همین تحلیل حقوقی فهم شوند. ناهمگونی منطقه‌ای در اتحادیه اروپا نشان می‌دهد وجود قواعد مشترک به اجرای یکسان منتهی نمی‌شود و در ایران نیز شاخص‌های حاکمیت قانون، شفافیت و پاسخ‌گویی نشان می‌دهند

ظرفیت هنجاری به تنهایی تضمین کننده عملکرد مطلوب نیست (Charron et al., 2021; Ghafouri & Omran, 2025).

بنابراین، یافته تطبیقی محوری مقاله آن است که کیفیت حکمرانی خوب تابع هم‌زمان «مبنای حقوقی»، «نهاد تضمین کننده» و «ضمانت اجرای مؤثر» است.

ظرفیت بهره‌گیری متناسب از تجربه اتحادیه اروپا در ایران

عناصر و سازوکارهای قابل استفاده

تجربه اتحادیه اروپا بیش از آنکه الگویی برای انتقال مستقیم نهادها باشد، مجموعه‌ای از اصول و سازوکارهای قابل استفاده برای منسجم کردن حقوق اداری فراهم می‌کند. مهم‌ترین عناصر قابل توجه عبارت‌اند از: صورت‌بندی روشن حقوق رویه‌ای اداره خوب، الزام به ارائه دلیل، حق شنیده شدن و دسترسی به پرونده، تقویت بی‌طرفی و تناسب، و تبدیل اصول کلی به استانداردهای رفتاری قابل فهم برای اداره و شهروند. ماده ۴۱ منشور نمونه‌ای از صورت‌بندی حقوق رویه‌ای است (Harlow, 2006) و کد اروپایی رفتار خوب اداری نیز اصولی مانند تناسب، منع سوءاستفاده از قدرت، بی‌طرفی، عینیت، ثبات رفتار اداری و احترام به انتظار مشروع را به قواعد عملی نزدیک می‌کند (Harlow, 2006).

در ایران، بهره‌گیری از این تجربه می‌تواند به معنای تدوین یا شناسایی منسجم اصول عام اداره خوب، روشن‌تر کردن الزامات ارائه دلیل و شنیدن اظهارات اشخاص، تقویت قواعد دسترسی به پرونده و اطلاعات، و توسعه معیارهای کنترل قضایی بر تناسب و قانونی بودن تصمیمات باشد. چنین بهره‌گیری‌ای با ظرفیت‌های موجود قانون اساسی و دیوان عدالت اداری قابل پیوند است و لزوماً مستلزم ایجاد نهادهای مشابه اروپایی نیست.

حدود و الزامات تطبیق

انتقال تجربه تطبیقی تنها زمانی از نظر حقوقی موجه است که تفاوت منابع حقوق، ساختار نهادی، قلمرو صلاحیت مراجع اداری

و قضایی و شیوه مقررگذاری دو نظام در نظر گرفته شود. اتحادیه اروپا نظامی چندسطحی با منابع حقوقی خاص خود است، در حالی که حقوق اداری ایران در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی، قوانین عادی و مبانی خاص نظام حقوقی کشور عمل می‌کند. از این رو، معیار ارزیابی نباید شباهت شکلی نهادها، بلکه کارکرد حقوقی آن‌ها در تضمین قانون‌مداری، شفافیت، پاسخ‌گویی و حقوق اشخاص باشد.

بومی‌سازی در این معنا به معنای نفی تجربه خارجی یا انتقال لفظی مفاهیم نیست؛ بلکه به معنای انتخاب سازوکارهایی است که با منابع و نهادهای موجود سازگار باشند. تقویت دیوان عدالت اداری، استانداردسازی ارائه دلیل و حقوق دفاعی، توسعه قواعد روشن رفتار اداری و استفاده سنجیده از کدهای رفتاری می‌تواند بدون تقلید نهادی، همان کارکردهای مورد نظر حکمرانی خوب را دنبال کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بررسی تطبیقی نشان می‌دهد حکمرانی خوب در هر دو نظام از سطح توصیه مدیریتی فراتر رفته و با محدودسازی قدرت عمومی، تضمین حقوق اشخاص، قانون‌مداری، شفافیت، پاسخ‌گویی و نظارت پیوند دارد. در اتحادیه اروپا، بخشی از این عناصر در ماده ۴۱ منشور حقوق بنیادین، ماده ۲۹۸ معاهده عملکرد اتحادیه، اصول عمومی حقوق و استانداردهای رفتار اداری صورت‌بندی نسبتاً منسجمی یافته‌اند. در ایران نیز قانون اساسی، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، اصول عمومی حقوق اداری و نظارت دیوان عدالت اداری ظرفیت هنجاری مهمی برای تحقق این مؤلفه‌ها فراهم می‌کنند.

شباهت اصلی دو نظام در پذیرش ارزش‌هایی مانند قانون‌مداری، برابری، شفافیت، پاسخ‌گویی و کنترل قدرت است. تفاوت مهم در شیوه صورت‌بندی و میزان انسجام تضمین‌هاست: در اتحادیه اروپا برخی حقوق رویه‌ای و استانداردهای رفتار اداری صریح‌تر و

عمومی برای رسیدگی و تصمیم‌گیری در مهلت معقول و پرهیز از تأخیر غیرضروری؛ (۴) تقویت ضمانت اجرای قواعد دسترسی آزاد به اطلاعات و انتشار مقررات؛ (۵) توسعه کاربرد تناسب، برابری و بی‌طرفی در تصمیمات اداری و نظارت قضایی؛ (۶) تقویت امنیت حقوقی و پیش‌بینی‌پذیری از طریق وضوح، دسترسی و ثبات نسبی قواعد؛ (۷) تدوین کد رفتار خوب اداری متناسب با نظام حقوقی ایران؛ و (۸) تقویت کنترل قضایی بر تصمیمات اداری از حیث قانونی‌بودن، ارائه دلیل، تناسب و رعایت حقوق رویه‌ای.

داده‌های تجربی شاخص‌های حکمرانی می‌توانند برای سنجش فاصله میان قواعد هنجاری و عملکرد عملی مفید باشند، اما نتیجه حقوقی مقاله بر این مبناست که اصلاح پایدار حکمرانی مستلزم ترکیب سه عنصر است: قواعد روشن، نهادهای پاسخ‌گو و ضمانت‌اجراهای قابل اعمال. بنابراین، بهره‌گیری از تجربه اتحادیه اروپا باید گزینشی و کارکردمحور باشد و بر تقویت همین سه عنصر در چارچوب ساختار حقوقی ایران تمرکز کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Good governance has become a central concept in contemporary public law and administrative law, not merely as a managerial model for improving governmental efficiency, but as a normative framework for organizing, directing, and limiting the exercise of public power. From a legal perspective, good governance is closely associated with principles such as legality, transparency, accountability, equality, participation, access to information, impartiality, proportionality, the right to be heard, reason-giving, legal certainty, and the protection of legitimate expectations. These principles operate as legal standards through which administrative

متمركزتر بیان شده‌اند، در حالی که در ایران بخش مهمی از همان مضامین از منابع متعدد استنباط می‌شود. از این رو، مسئله اصلی حقوق اداری ایران فقدان کامل مبنای هنجاری نیست، بلکه پراکندگی قواعد، تفاوت در کیفیت اجرا و نیاز به تبدیل اصول کلی به استانداردهای عمومی و قابل اعمال است.

پیش‌بینی‌پذیری، امنیت حقوقی و انتظار مشروع در این میان نقش پیونددهنده دارند؛ زیرا کیفیت حکمرانی زمانی افزایش می‌یابد که قواعد روشن و در دسترس باشند، اداره در وضعیت‌های مشابه رفتار نسبتاً باثبات داشته باشد و تصمیمات مؤثر بر حقوق اشخاص مستدل و قابل اعتراض باشند. کنترل صلاحیت اختیاری و اصل تناسب نیز ابزارهای مهم مهار قدرت اداری اند (Rostami & Salimi, 2018, 2020). مسئولیت مدنی دولت نیز یکی از صورت‌های پاسخ‌گویی حقوقی است و می‌تواند با ایجاد پیامد حقوقی برای رفتار زیان‌بار، این منظومه را تکمیل کند (Rostami & Bahadori Jahromi, 2009).

بر پایه یافته‌های تطبیقی، اصلاحات اولویت‌دار در ایران عبارت‌اند از: (۱) تدوین یا شناسایی منسجم اصول عام اداره خوب؛ (۲) تقویت الزام دستگاه‌های اداری به ارائه دلایل روشن و قابل کنترل و تضمین حق شنیده‌شدن و دسترسی به پرونده؛ (۳) تعیین قاعده

authorities may be required to justify their decisions and remain subject to institutional and judicial control. In this sense, good governance cannot be reduced to performance indicators or administrative efficiency; rather, it encompasses the legal architecture governing relations between administrative authorities and individuals. Administrative law scholarship has emphasized the importance of accountability, transparency, participation, access to information, independent review, reasoned decision-making, proportionality, and legitimate expectations as principles capable of constraining administrative discretion and protecting individuals against arbitrary public

power (Harlow, 2006). Similarly, the open-government approach identifies transparency, integrity, accountability, and stakeholder participation as essential components of governance capable of strengthening democratic institutions and public trust (Oecd, 2023). Developments in regulatory governance further reinforce this understanding. The transition from the traditional regulatory state toward regulatory governance reflects a movement away from exclusively hierarchical and unilateral forms of governmental intervention toward institutional arrangements characterized by coordination, participation, oversight, and greater accountability. In the Iranian legal system, developments associated with the implementation of the general policies of Article 44 of the Constitution and the emergence of regulatory institutions such as the Competition Council demonstrate elements of this transition toward more pluralized forms of regulatory governance (Bayat Shahparast & Rostami, 2025). Accordingly, the principal purpose of the present study is to examine the legal position of good governance in the administrative systems of Iran and the European Union through a comparative analysis of their normative foundations, institutional guarantees, and legal enforcement mechanisms.

The study adopts a descriptive-analytical method combined with a comparative legal approach and examines good governance at three interrelated levels: the normative recognition of administrative principles and individual rights, the institutional arrangements established for their protection, and the availability of enforceable legal remedies capable of controlling administrative action. A conceptual distinction is made between “good administration” and “good governance.” Good administration is primarily concerned with the procedural quality of

administrative interaction with individuals, including fairness, impartiality, access to files, hearing rights, reason-giving, and timely decision-making, whereas good governance encompasses the broader institutional and structural quality of public decision-making, including transparency, accountability, participation, coherence, effectiveness, and the rule of law. This distinction is particularly significant in comparative administrative law because it prevents the conflation of procedural rights with broader institutional standards of governance. The European legal order provides a comparatively structured example of this distinction, since principles associated with good administration operate within a wider framework of European governance, public accountability, and general principles of administrative law (Harlow, 2006). At the same time, the European experience demonstrates that good governance depends not only on formal rights but also on institutional mechanisms that translate those rights into practical administrative standards. The study therefore treats legality, proportionality, equality, transparency, accountability, procedural fairness, legal certainty, and predictability as common analytical dimensions. In Iran, judicial review of discretionary administrative powers has increasingly been discussed in relation to legality, proportionality, constitutional restraints, and the prevention of arbitrary decision-making (Rostami & Salimi, 2020). Comparative analysis of proportionality in administrative law also shows that this principle may function as a judicial standard for examining whether the means selected by an administrative authority remain reasonably connected to a lawful objective and whether unnecessary interference with individual rights has been avoided (Rostami & Salimi, 2018). In addition, Iranian administrative jurisprudence demonstrates a developing, although not yet

fully systematic, use of proportionality as a mechanism for reviewing administrative decisions (Bayat Mokhtari et al., 2024).

The European Union provides a comparatively coherent legal environment in which several components of good governance have been transformed into procedural rights, general principles of law, and administrative standards. One of the most significant features of this model is the recognition of good administration as an enforceable legal value rather than merely an aspirational managerial objective. The European administrative framework emphasizes impartiality, fairness, procedural safeguards, access to information, reasoned decision-making, proportionality, and legitimate expectations, all of which contribute to constraining public authority and enhancing the legal position of individuals (Harlow, 2006). At the broader governance level, European approaches also emphasize openness, participation, accountability, effectiveness, and institutional coherence, thereby linking administrative legality with the quality of democratic governance. The principles of openness and access to information are particularly significant because they strengthen both individual procedural rights and broader public oversight. From this perspective, transparency functions not only as a mechanism of information disclosure but also as a precondition for meaningful participation, effective accountability, and informed control over administrative institutions (Oecd, 2023). The European experience is also important because it demonstrates how legal principles may be converted into relatively concrete behavioral standards governing public authorities. General requirements of impartiality, objectivity, proportionality, consistency, and respect for legitimate expectations reduce the gap between abstract legal principles and everyday administrative conduct (Harlow, 2006). Nevertheless,

empirical studies indicate that the existence of common European standards does not result in uniform governance quality across all Member States or regions. The European Quality of Government Index has documented substantial subnational variation within the European Union, demonstrating that similar legal frameworks may coexist with different levels of institutional performance and administrative quality (Charron et al., 2021). This finding is methodologically important because it confirms that normative convergence and practical implementation must be evaluated separately. The experience of European enlargement further illustrates that legal and institutional rule transfer is conditioned by domestic structures, incentives, and implementation costs, meaning that formal adoption alone does not guarantee substantive effectiveness (Schimmelfennig & Sedelmeier, 2004).

In Iran, the normative foundations of good governance are more dispersed but nonetheless identifiable within constitutional principles, statutory rules, general principles of administrative law, and the jurisprudence of the Administrative Justice Court. Although the term "good governance" has not been formulated as a unified legal category within a comprehensive general administrative law statute, several constitutional and legal principles provide a basis for legality, equality, protection of individual rights, access to justice, judicial control, transparency, and accountability. The jurisprudence of the General Assembly of the Administrative Justice Court demonstrates that principles such as legality, equality, non-discrimination, competence, justification, and the prohibition of harmful or unauthorized administrative action can operate as standards for the annulment or review of administrative regulations, thereby confirming the practical importance of general principles of administrative law in filling normative gaps

(Moradkhani & Ayar, 2025). Judicial reasoning and evidentiary standards also form an important part of good administration because administrative justice depends not only on formal access to courts but also on the capacity of adjudicative institutions to obtain relevant evidence and provide transparent, reasoned, and reviewable decisions (Mashhadi & Yazdani Zanouz, 2024). In the field of transparency, the legal recognition of access to public information provides a significant normative basis for strengthening public oversight and reducing informational asymmetry between administrative authorities and citizens. The principle of openness in modern administrative law has been associated with both transparency and public participation, with access to information regarded as a necessary condition for meaningful citizen involvement and effective monitoring of administrative institutions (Bidar et al., 2021). However, the effectiveness of transparency may be undermined where regulations affecting rights and obligations are classified, confidential, inaccessible, or inconsistently published, since such conditions weaken legal certainty and the ability of citizens to predict administrative consequences (Khazaei & Tahan Nazif, 2024). Accountability also requires more than the existence of supervisory bodies. Recent research concerning good governance in Iran has associated weaknesses in accountability with bureaucratic complexity, institutional fragmentation, ineffective oversight, deficiencies in merit-based administration, and limited civil-society capacity, while emphasizing structural reform, transparency, and stronger monitoring mechanisms (Ghafouri & Omran, 2025). Thus, the principal challenge in the Iranian system concerns not the complete absence of legal foundations, but the fragmentation and uneven implementation of existing normative capacities.

Legal certainty, predictability, legitimate expectations, proportionality, judicial review, and state liability provide further points of comparison between the two systems because they demonstrate how good governance may be translated into enforceable limitations on administrative power. Predictability requires individuals to be able, within reasonable limits, to understand the legal basis, criteria, effects, and possible consequences of administrative action. In Iranian administrative law, legitimate expectations have been connected with regularity, predictability, stability of administrative conduct, and the ability of individuals to organize their affairs on the basis of reasonably reliable governmental representations or practices (Rostami et al., 2022). This principle is particularly relevant where abrupt or inadequately justified changes in administrative conduct may undermine legal security. Judicial review of discretionary powers performs a complementary function by ensuring that administrative discretion does not become equivalent to immunity from legal control. In this respect, legality and proportionality provide standards for examining whether administrative authorities have acted within the limits of their competence and whether the means selected are reasonably related to lawful public objectives (Rostami & Salimi, 2018, 2020). State liability also constitutes an important dimension of legal accountability because it links the exercise of public authority with legal consequences where governmental conduct causes compensable harm. The principle that the state and its officials are not categorically exempt from liability reinforces the idea that administrative power must remain connected to responsibility and remedies (Rostami & Bahadori Jahromi, 2009). The comparative analysis therefore suggests that Iran and the European Union share many normative values but differ considerably in the

degree of legal consolidation through which these values are transformed into standardized procedural rights and administrative duties. European arrangements are generally characterized by greater explicitness and institutional integration, whereas the Iranian system relies more extensively on constitutional interpretation, statutory provisions, judicial jurisprudence, and general administrative principles. This difference is especially visible in the areas of reason-giving, hearing rights, access to administrative files, proportionality review, transparency, and the practical enforceability of procedural guarantees.

The study concludes that good governance in both Iran and the European Union should be understood as a legal framework for the organization, guidance, and limitation of public power rather than as a purely managerial doctrine. Both systems recognize, explicitly or implicitly, the significance of legality, equality, transparency, accountability, judicial review, protection of individual rights, and the prevention of arbitrary administrative action. The major comparative difference lies in the degree of coherence with which these values are transformed into identifiable administrative rights, institutional duties, procedural guarantees, and enforceable remedies. In the European Union, the relevant principles are more systematically articulated within an integrated structure of procedural rights, general principles, institutional standards, and judicial oversight. In Iran, substantial normative capacities exist, but they remain distributed across constitutional provisions, ordinary legislation, administrative jurisprudence, and general legal principles. The principal reform priority is therefore not the wholesale transplantation of European institutions, but the coherent development of general principles of good administration within the existing Iranian legal framework.

This requires clearer recognition of the duty to provide reasons, the right to be heard, access to administrative files and information, reasonable time requirements, transparency in rulemaking, proportionality in administrative decision-making, protection of legitimate expectations, and effective judicial review. A context-sensitive approach to comparative learning should focus on functional equivalence rather than institutional imitation. The sustainable improvement of administrative governance in Iran ultimately depends on the interaction of three elements: clear and accessible legal rules, accountable and coordinated institutions, and effective remedies capable of giving practical effect to administrative rights. Strengthening these elements would reduce the gap between normative capacity and administrative practice while reinforcing legal certainty, predictability, public trust, and the rule of law.

References

- Bayat Mokhtari, V., Jalali, M., & Taheri, M. (2024). Application of the Principle of Proportionality in the Jurisprudence of the Administrative Justice Court. *Legal Research*, 27(105), 119-136. <https://doi.org/10.48308/jlr.2024.234856.2684>
- Bayat Shahparast, G., & Rostami, V. (2025). Transition from the Regulatory State to Regulatory Governance in Light of the Law on the Implementation of the General Policies of Article 44 of the Constitution. *Public Law Studies*, 1-21. <https://doi.org/10.22059/jpls.2024.363659.3384>
- Bidar, Z., Mashhadi, A., & Dabirnia, A. (2021). A Reflection on the Status and Effects of the Principle of Openness in Modern Administrative Law. *Administrative Law*, 9(29), 9-26. <https://doi.org/10.52547/qjal.9.29.9>
- Charron, N., Lapuente, V., & Bauhr, M. (2021). *Sub-national Quality of Government in EU Member States: Presenting the 2021 European Quality of Government Index and Its Relationship with COVID-19 Indicators* (QoG Working Paper Series, Issue).
- Ghafouri, A., & Omran, S. H. (2025). Analysis of the Accountability Indicator in Good Governance: A Comparative Study of Iran and Selected Countries Based on World Bank Criteria. *Governance and Development*, 5(3), 145-180.

<https://doi.org/10.22111/JIPAA.2025.51307.1010>

- Harlow, C. (2006). Global administrative law: The quest for principles and values. *European Journal of International Law*, 17(1), 187-214. <https://doi.org/10.1093/ejil/chi158>
- Khazaei, M., & Tahan Nazif, H. (2024). Challenges of Regulatory Confidentiality in the Iranian Legal System. *Public Law Studies*, 54(4), 2345-2364. <https://doi.org/10.22059/JPLSQ.2023.347627.3166>
- Mashhadi, A., & Yazdani Zanouz, H. (2024). Burden of Proof and Evidence-Based Reasoning in Judgments of the Branches of the Administrative Justice Court. *Public Law Research*, 26(83), 107-136. <https://doi.org/10.22054/QJPL.2023.72337.2872>
- Moradkhani, F., & Ayar, M. (2025). Identifying the Legal Principles Invoked by the General Assembly of the Administrative Justice Court in Annulment of University Board of Trustees Resolutions. *Administrative Law*, 12(42), 151-180. <https://doi.org/10.66224/qjal.12.42.151>
- Oecd. (2023). *Open Government for Stronger Democracies: A Global Assessment*. <https://doi.org/10.1787/5478db5b-en>
- Rostami, V., & Bahadori Jahromi, A. (2009). Civil Liability of the State. *Islamic Knowledge and Law*, 10(1), 69-105.
- Rostami, V., Ghamami, S. M. M., & Salimi, H. (2022). Legitimate Expectation in the Administrative Legal System. *Public Law Studies*, 52(1), 231-248. <https://doi.org/10.22059/jplsq.2019.284964.2073>
- Rostami, V., & Salimi, H. (2018). The Principle of Proportionality in Judicial Review of Discretionary Powers in English Administrative Law. *Public Law Studies*, 48(4), 735-746.
- Rostami, V., & Salimi, H. (2020). Judicial Review of the Exercise of Discretionary Powers in Iranian Administrative Law. *Administrative Law*, 7(22), 105-123. <https://doi.org/10.29252/qjal.7.22.105>
- Schimmelfennig, F., & Sedelmeier, U. (2004). Governance by conditionality: EU rule transfer to the candidate countries of Central and Eastern Europe. *Journal of European Public Policy*, 11(4), 661-679. <https://doi.org/10.1080/1350176042000248089>